مریم ۲۸ ساله ۸۰ هزار تومان می گرفت و کار تهرانی ها را راه می انداخت!

چندی قبل ماموران پلیس آگاهی تهران در کاوش های پلیسی پی بردند که ۲ شرکت به نام های گیتی فراز و تعاونی سازه گستر با انتشار آگهی در یک روزنامه کثیرالانتشار و سایت دیوار اقدام به انتشار آگهی ارائه ضمانت نامه برای دریافت وام آگهی از بانک کرده اند.

بدین ترتیب ماموران به دستور بازپرس شعبه ۴ دادسرای ناحیه تیمی از ماموران پایگاه ۵ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عاملان این آگهی دروغین وارد عمل شدند.

کارآگاهان در گام نخست پی بردند که این ۲ شرکت مجوز ارائه مدارک ضمانت نیستند و شرکت آنها به ثبت نرسیده است.

در گام بعدی مشخص شد زوج جوان برای ارسال مدارک ضمانت نامه از خودروهای یک آژانس کرایه خودرو استفاده می کنند و راننده ها پس از تحویل دادن مدارک به طعمه های این باند، پول دریافتی را در اختیار زوج جوان قرار می دهند.

همین سرنخ کافی بود تا آژانس کرایه خودرو تحت نظر ماموران قرار گیرد تا اینکه ساعت ۷ عصر ۳۱ تیرماه زوج جوان که برای دریافت پاکت های پول به آژانس مراجعه کرده بودند از سوی ماموران دستگیر شدند.

ماموران در بازرسی خانه زوج جوان در منطقه مهرآباد جنوبی مدارک های جعلی فیش حقوقی، حکم های کارگزینی صادر شده به نام شرکت های کتی فراز و تعاونی سازه گستر و مهرهای ساخته شده به نام این دو شرکت را کشف کردند.

زوج جوان در همان تحقیقات ابتدایی به فریبکاری میلیاردی شان اعتراف کردند و رییس باندشان را که جوان ۳۶ ساله ای است لو دادند.

ماموران در این مرحله با شناسایی مخفیگاه محسن در منطقه شهرک قدس موفق به دستگیری وی شدند.

گفتگو با زوج فریبکار

قاسم ۲۹ ساله و همسرش که در مدت زمان ۲ سال که با هم در این شرکت مشغول به کار شده اند با توجه به اینکه همه شواهد کار از همان ابتدا نشان می دهد که کار آنها کلاهبرداری است اما ادعا می کنند که ما فکر نمی کردیم خلاف می کنیم و مدیرعامل شرکت با چرب زبانی هایش ما را مجبور به ادامه کار می کرد.

سابقه داری؟ نه.

الان به چه جرمی دستگیر شدی؟ جعل و کلاهبرداری.

شیوه و شگرد؟ از طریق سایت دیوار آگهی ارائه مدارک ضمانت نامه برای دریافت وام از بانک را تبلیغ کرده بودیم و بعد از اینکه طعمه هایمان خودشان زنگ می زدند ادعا می کردیم وبرای پیش پرداخت باید هزینه ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان به حساب واریز کنند و پس از آن مدارک جعلی را با آژانس برای آنها ارسال می کردیم که گاهی اوقات به راننده ها می گفتیم علاوه بر پول کرایه خودرو از آنها پول بگیرند که در مجموع از هر نفر بین ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان پول می گرفتیم.

طعمه هایتان نمی خواستند که ضامن شان به بانک بیایند؟

کار به آنجا نمی رسید، چون بانک ضمانت نامه ها را تایید نمی کرد و اگر هم مورد تایید قرار می گرفت با ما تماس می گرفتند که معمولا به آنها جواب نمی دادیم یا پول بیشتری دریافت می کردیم.

چطور با این شرکت آشنا شدی؟

همسرم از طریق آگهی سایت دیوار با این شرکت آشنا شد و برای کار به آنجا رفت که بعد از مدتی من نیز با آنها همکار شدم.

هیچ تحقیقی درباره فعالیت شرکت نکردی؟

مدیر عامل از همان ابتدا مدارک و روزنامه هایی که شماره ثبت شرکت در آن درج شده بود را پیش روی مان قرار داد و با حرفهایی که می زد باور کردیم کار شرکت قانونی است.

دفتر کار داشت؟ ابتدا ادعا می کرد که دفتر شرکت در خیابان فرشته است اما همسرم کارش را درمیدان امام حسین شروع کرد و بعد از آن به سعادت آباد رفتیم و سپس دفتر را جمع کرد و از زمانیکه همسرم کار را در خانه شروع کرد من نیز با آنها همکار شدم.

چند نفر را هدف قرار دادی؟ ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر که از هر کدام معمولا ۱۸۰ هزار تومان پول گرفتیم.

چقدر پول به دست آوردی؟ نمی دانم چون همه پول ها هزینه زندگی می شد.

قرار بود تا کی این کار را ادامه دهید؟

قصد داشتیم یک مغازه در باغ پرندگان کرایه کنم و نیاز به ۱۰ میلیون تومان پول داشتم برای پیش پرداخت مغازه داشتم که دستگیر شدم.

شنیدم یک میلیارد ۵۰۰ میلیون تومان پول به دست آوردی؟

نزدیک به این مبلغ بود که هر چه در می آوردیم هزینه زندگی می کردیم.

زندگی لاکچری داشتی؟

نه، ولی برای خانه راحت خرج می کردم البته در خیلی از مواد وقتی طعمه هایمان زنگ می زدند بخشی از پول را به حسابشان برمی گرداندیم.

چند سال است که ازدواج کردی؟

۳ سال عقد بودیم و نزدیک به ۲ سال است که ازدواج کردیم.

همدیگر را از قبل ازدواج می شناختی؟ بله

آزاد شوی چه کار می کنی؟ مغازه می زنم و کار می کنم.

پول داری؟ نه، ولی پدرم برای من یک مغازه خواهد گرفت تا دیگر به راه کج نروم.

فکر می کردی دستگیر شوی؟ نه، هیچ وقت فکر نمی کردم دستگیر شویم.

تا به حال نشنیده بودی با این شیوه و شگرد کسی دستگیر شده است؟ چندی قبل در رسانه ها دیدم که یک نفر در سایت دیوار کلاهبرداری می کرد دستگیر شده است، ترسیده بودم و وقتی به مدیر عامل گفتم ادعا کرد که ما مدارکمان درست است و هیچ مشکلی به وجود نمی آید.

مریم ۲۸ ساله که بیشتر لحظات اشک می ریزد ادعا می کند در این کار پول زیادی به دست نیاوردند و هر روز وضعیت مالی شان بدتر از روز قبل می شد.

چطور در شرکت مشغول به کار شدی؟ از طریق سایت دیوار.

فکر نمی کردی کار شرکت کلاهبرداری است؟ نه، ابتدا کمی شک داشتم اما وقتی مدیرعامل مدارک ثبت شده را پیش روی مان قرار داد ادعا کرد که شرکت ۴ وکیل دارد و هیچ دردسری برای ما پیش نمی آید.

چقدر حقوق می گرفتی؟ قرار بود ماهی یک میلیون تومان حقوق دهد که تنها ماه اول ۷۰۰ هزار تومان حقوق داد و دیگر حقوقی به من نداد.

چطور شوهرتان را هم وارد کار کردی؟ دفتر را جمع کرده بودیم و مدتی در خانه کار می کردیم و شوهرم نیز وارد کار شد.

چقدر پول به دست آوردی؟ از هر ۱۸۰ هزار تومان پولی که می گرفتیم، ۸۰ هزار تومان پول کرایه خودرو و سهم من بود و مابقی را مدیر عامل برداشت می کرد.

روزی که قاسم به خواستگاری ات آمد چه شغلی داشت؟ با خودرویش مسافرکشی می کرد.

از قبل همدیگر را می شناختید؟ بله،

خانواده هایتان با ازدواج شما مخالفت نکردند؟ نه.

قصد داشتی تا کی این کار را ادامه بدهید؟

یک روز قبل از دستگیری تصمیم داشتیم دیگر به این کار ادامه ندهیم که دستگیر شدیم.

وضعیت مالی تان خوب شده بود؟ نه، هر روز بدتر می شد.

پشیمانی؟ بله، دوست دارم به ۳ سال قبل برگردم.

به ۳ سال قبل برگردیم جواب مثبت به ازدواج با قاسم نمی دهی؟ جوابم مثبت است، چون دوستش دارم.

چرا گریه می کنی؟ چون شرمنده خانواده هایمان شدیم و امیدوارم ما را ببخشند.

بنا به این گزارش، زوج جوان برای تحقیقات بیشتر در اختیار پلیس قرار دارند و بازپرس پرونده خواست تا کسانیکه به این شیوه هدف کلاهبرداری قرار گرفته اند به پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

حامله کردن مهتاب تنها راه سینا برای ازدواج با او بود!

سینا برای اینکه خانواده خود را برای ازدواج با مهتاب متقاعد کند دختر مورد علاقه اش را باردار کرد.

به گزارش گروه حوادث رکنا، سینا، ۲۴ ساله به قاضی دادگاه خانواده گفت: چهار سال پیش بود که با مهتاب آشنا شدم، پس از سربازی به پدر و مادرم اصرار کردم که به خواستگاری او برویم اما آن ها معتقد بودند که ما با یکدیگر از نظر فرهنگی تفاوت داریم.

سینا ادامه داد: در این میان ۴ سال تمام فقط به دنبال مهتاب بودم و همه راه ها را برای ازدواج با او آزمودم اما به هیچ وجه خانواده ها راضی نشدند، به همین دلیل دست به اقدام احمقانه ای زدم و روزی مهتاب را به بهانه ای به خانه دوستم کشاندم، این در حالی بود که در آنجا هیچ کسی نبود، به او ماجرا را توضیح دادم و گفتم تنها راهی که برایمان مانده این است که تو از من باردار شوی، مهتاب نیز با اصرار من راضی شد و به اتق خواب رفتیم و...

وی بیان کرد: چند وقت دیگر مهتاب خبر بارداریش را به من داد و خانواده ها دیگر مجبور شدند تا تن به این وصلت دهند. همه این خوشی ها ۸ ماه بیشتر دوام نیاورد. زیبا هنگام عروسی خواهرش عکس هایی به شیوه دختران غربی و با پوششی بسیار زننده در آرایشگاه گرفته بود تا این که تعدادی از آن عکس ها را در شبکه وایبر در میان گروه دوستانم دیدم و احساس کردم که او به من خیانت می کند.

سینا ادامه داد: این ماجرا تمام ذهنم را به خود مشغول کرده بود اگرچه حدس می زنم که وقتی سیم کارت او را در گوشی تلفن خودم گذاشته بودم این اتفاق تلخ رخ داده است و آن عکس ها به اشتباه از گروه دوستان همسرم منتشر شده است، به همین خاطر به همه گفته ام ما با هم تفاهم نداریم! و می خواهم او را طلاق بدهم. این در حالی است که همسرم انتشار چنین عکس هایی را موضوع کاملاً عادی می داند.

قاضی پس از شنیدن سخنان سینا از او خواست تا بیشتر در خصوص تصمیم خود فکر کند.

دختر جوان خودش به راننده پیشنهاد خجالت آور داده بود!

راننده پراید که متهم است زنی را آزار و اذیت کرده، وقتی در جلسه رسیدگی به پرونده اش حاضر شد، نه تنها اتهام آزار زن را رد کرد، بلکه مدعی شد زن جوان به او پیشنهاد برقراری رابطه داده بود.

اسفند ماه دو سال قبل زنی با همراه مردی موتور سوار به کلانتری مراجعه کرد و مدعی شد از سوی مردی آزار و اذیت شده است. این زن گفت: مرد راننده من را به عنوان مسافر سوار کرد و به راه افتاد. من چند جایی کار داشتم و با خودم فکر کردم که ماشین را به صورت دربستی کرایه کنم که در راه یک دفعه متوجه شدم مرد راننده تغییر مسیر داد و بعد هم من را مورد آزارواذیت قرار داد.

من چندباری سعی کردم فرار کنم اما نتوانستم او حتی پول و کارت بانکی من را گرفت و هرچه پول نقد داشتم هم از من گرفت تا اینکه در فرصت مناسب از ماشین پیاده شدم و از مردم درخواست کمک کردم که یک موتورسوار کمکم کرد و بعد هم من را به کلانتری رساند.

این در حالی بود که مرد موتورسوار هم اظهارات زن جوان را تأیید کرد و گفت: من دیدم زنی فریاد می زند و کمک می خواهد مردم دور ماشین پرایدی جمع شده بودند و می خواستند به زن کمک کنند، اما مرد راننده با گفتن اینکه دعوا خانوادگی است، دخالت نکنید سعی داشت زن را به داخل ماشین بیندازد. زن فریاد می زد دروغ می گوید من این مرد را نمی شناسم و من هم برای اینکه به موضوع مشکوک بودم، مقاومت کردم و با ترفندی مرد را بیرون کشیدم و زن را نجات دادم و با خودم به کلانتری آوردم.

با ردیابی های انجام شده مأموران متوجه شدند مرد راننده در یک پمپ بنزین از کارت بانکی زن جوان استفاده کرده است. با به دست آمدن این سرنخ مأموران ماشین مرد جوان را شناسایی و او را بازداشت کردند. متهم در بازجویی ها ابتدا مدعی شد که زن جوان فقط مسافر او بوده و گفته های زن درست نیست، اما وقتی برای رسیدگی به پرونده اش به دادگاه کیفری شماره یک شعبه چهار آورده شد، ادعای عجیبی را مطرح کرد.

در ابتدای جلسه رسیدگی زن جوان که در دادگاه حاضر شده بود، یک بار دیگر گفته هایش را تکرار کرد و مدعی شد مرد راننده او را مورد آزار قرار داده است و خواستار مجازات این مرد شد.

او جزئیات را توضیح داد و گفت: من روز سختی داشتم و باید ماشینی را به صورت دربستی می گرفتم تا کارهایم را انجام دهم. روز حادثه ابتدا به صورت مسافر عادی سوار ماشین شدم بعد پیشنهاد دادم دربستی من را به چند جا برساند. او قبول کرد ولی در راه من را مورد آزار قرار داد و متوجه شدم اصلا قصدش از مسافرکشی همین بوده که من را مورد آزار قرار دهد.

متهم نیز گفت: زن جوان را به عنوان مسافر سوار کردم. او در راه با من درد دل کرد و عکس بچه هایش را نشان داد و گفت که می خواهد از شوهرش جدا شود. زن جوان به من گفت کسی که می خواهد از او جدا شود، شوهر سومش است و زندگی بسیار بدی را در این چند سال تجربه کرده است حتی برایم توضیح داد برای کارهای طلاق باید به محضر و دفترخانه و چند جای دیگر برود و کارهایی انجام دهد. کارت بانکی اش را به من داد تا خرید کنم چند جایی ایستادم تا آب و خوراکی بخرم و پمپ بنزین هم رفتم که بنزین بزنم و پولش را این زن حساب کرد. او زن درستی نیست یک بار هم به من پیشنهاد داد که با او رابطه داشته باشم.

این زن جوان بود که قصد داشت از من سوء استفاده کند و می گفت که حال خوبی ندارد. بعد هم برای اینکه از من اخاذی کند وقتی که برای خرید جایی توقف کرده بودم، از ماشین پیاده شد و فریاد زد تا مردم را دور خودش جمع و خواست که از من اخاذی کند. وقتی من تن به خواسته او ندادم، چنین رفتاری کرد و حالا هم از من شکایت کرده است درحالی که متهم اصلی خود اوست. این زن وقتی که دید با من به جایی نمی رسد با فریادهایش سعی کرد یک موتور سوار را متوقف کند و از او کمک بگیرد.

من سعی کردم به مرد جوان بگویم این زن دروغ می گوید، اما توجه نکرد. این زن برای من پاپوش درست کرده است و من حرف هایش را قبول ندارم. زن جوان گفته های متهم را قبول نکرد و او را دروغ گو خواند و گفت که این مرد پول هایم را دزدید و من را مورد آزار قرار داد و من خواهان اشد مجازات برای او هستم.

با پایان گفته های متهم، هیئت قضات وارد شور شدند و تصمیم گرفتند زن جوان را برای معاینه زیادتر و اعلام نظر پزشک قانونی به سازمان پزشکی قانونی معرفی کنند. بعد از اعلام نظر متخصصان، قضات درباره این پرونده تصمیم گیری خواهند کرد.

قصاص برای مردی که زنش را خفه کرد

مرد جوانی که در جریان مشاجره با همسرش او را خفه کرده بود پس از محاکمه در شعبه دهم دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد و این حکم صبح دیروز مورد تأیید قضات دیوانعالی کشور قرار گرفت.

پدر مقتول که جسد او را پیدا کرده بود موضوع را به پلیس خبر داد. در پی این قتل کارآگاهان جنایی در محل جنایت حضور یافتند. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد زن ۲۸ ساله با فشردن گلویش به قتل رسیده است و حدود ۲۴ ساعت از وقوع قتل می‌گذرد و مأموران پی بردند از شوهرش خبری نیست.

این مرد چند روز بعد دستگیر شد و به بازپرس گفت: من در یک پیک موتوری کار می‌کردم از ساعت ۹ صبح تا ۱۱ شب در آنجا مشغول کار بودم و هر روز ظهر زنم با من تماس می‌گرفت و می‌گفت از بیرون برایش غذا بخرم، روز وقوع قتل هم با من تماس گرفت و من برایش غذا خریدم.

همیشه ظهرها به خانه می‌آمدم، کمی استراحت می‌کردم و بعد به سر کارم برمی‌گشتم؛ آن روز هم به منزل رفتم و او مشغول خوردن غذا شد. هنگام غذا خوردن گفت «نمی‌خواهی به سر کارت بروی؟» گفتم نیم ساعت دیگر می‌روم، بعد با تلفن همراهش مشغول صحبت با مادرش شده بود که ناگهان عصبی شد و به من گفت «چرا نزد خانواده‌ام از من بدگویی کرده‌ای؟». او قصد داشت به منزل برادرش برود که جلویش را گرفتم و ناگهان ویترین منزل را به زمین پرت کرد و آن را شکست. من در آن لحظات با دست راست گلویش و با دست چپ جلوی دهانش را گرفتم وقتی به خود آمدم نفس‌نمی‌کشید.

پس از قتل با موتورم به ترمینال جنوب رفتم و حدود یک هفته در آنجا بودم و بعد هم در رستورانی به‌عنوان پیک موتوری مشغول به کار شدم. شب‌ها در آنجا می‌خوابیدم که البته در این مدت خواب راحتی نداشتم تا اینکه سوار بر موتورسیکلت بودم که پلیس مرا متوقف کرد، پیاده فرار کردم اما پس از مسافتی بازداشت شدم.

این متهم پس از اعتراف به قتل همسرش در شعبه دهم دادگاه کیفری محاکمه شد و در جریان دفاع از خود مدعی شد همسرش را بشدت دوست داشته و این اتفاق به خاطر مادرزنش رخ داده است. این متهم پس از محاکمه با حکم قضات به قصاص محکوم شد و این حکم را صبح دیروز قضات دیوانعالی تأیید کردند.

از تن فروشی توبه کردم و حالا ازدواج موفقی دارم

سیمین، ۲۳ساله که نوزادی را در آغوش داشت در مقابل بازپرس پرونده قدیمی اش گفت: ۳سال پیش که جوانی خام بودم تحت تاثیر حرف های بی اساس یکی از دوستان مطلقه ام قرار گرفتم و برای آن که آزادی بیشتری داشته باشم با خانواده همسرم سرناسازگاری گذاشتم شوهرم جوان متدین و خوش اخلاقی بود که با زحمت کشی و کارگری سعی می کرد آسایش و رفاه مرا فراهم کند، اما دوستم که به تازگی از شوهرش طلاق گرفته بود مدام با وسوسه های شیطانی زیر گوشم نجوا می کرد که وقتی زنی نتواند آن طور که دلش می خواهد آرایش کند و لباس بپوشد و یا نتواند به مسافرت های آن چنانی برود جز موجودی پژمرده چیزی نیست!

این زن ادامه داد: همواره به بهانه های مختلف با مادرشوهر و خواهر شوهرم درگیر می شدم تا این که به پیشنهاد دوستم و با این توجیه که چون هنوز فرزندی ندارم راحت تر می توانم از مجید جدا شوم به صورت توافقی از او طلاق گرفتم و با دوستم سوار کامیون ها می شدیم و به قول خودمان به مسافرت می رفتیم.

سیمین در ادامه گفت: در همین گردش ها به مصرف شیشه روی آوردم، طولی نکشید که دیگر برای تامین هزینه های اعتیادم تن به هر کار کثیفی می دادم، حتی اقدام به تن فروشی نیز می کردم، جای خواب مناسبی هم نداشتم و گاهی با التماس از خرده فروشان موادمخدر می خواستم تا برای یک شب جای خوابی به من بدهند اما آن ها در ازای جای خواب از من درخواست شومی می کردند مجبور به تن فروشی شدم تا این که ۲سال قبل از کارهای گذشته ام توبه کردم، مدتی بعد در یک کارخانه بسته بندی مواد غذایی مشغول کار شدم و با یکی از همکارانم که همسرش را طلاق داده بود ازدواج کردم البته قبل از ازدواج همه تلخی های زندگی و ماجرای توبه ام را برایش بازگو کردم حالا که زندگی شیرینی دارم.

آگهی تفکیک زمین

نظر به اینکه رمضان حیدری فرزند محمد قصد تفکیک زمین مورد ادعای خود به مساحت تقریبی ۶۰۰ متر مربع واقع درمحله بید (خیابان بیدگل)مطابق کروکی ذیل را دارد لذا چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی مدعی مالکیت اراضی مذکور می باشند یا قبلا اراضی مورد نظر را خریداری نموده اند حداکثر ظرف مدت پانزده روز از تاریخ انتشار این آگهی ،گواهی تقدیم دادخواست حقوقی و یا در صورت داشتن سند رسمی گواهی اعلام شکایت به مراجع ذی صلاح قضایی ، را به واحد املاک شهرداری لامرد تحویل نمایند. بدیهی است پس از پایان مهلت مذکور مراحل قانونی تفکیک انجام خواهد شد و شهرداری هیچگونه مسئولیتی در قبال ادعای احتمالی اشخاص نخواهد داشت .

واحد املاک شهرداری لامرد

آگهی مفقودی

به اطلاع می رساند کارت کارمندی علوم پزشکی خانم رقیه انصاری فرزند عبدالحسن با کد پرسنلی ۴۴۰۲۹۹ و به شماره شناسنامه ۸ و کد ملی ۵۱۵۹۷۲۳۱۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و ارضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۱۰۲۹۰۰۰۱۳۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی ارضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فراشبند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اصغراسفندیاری فرزندمنصور به شماره شناسنامه ۳۷ صادره ازفراشبند درششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۹۸,۷ متر مربع تحت پلاک ۴۳۷۱ فرعی از ۱۲۳۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۴۲ فرعی از ۱۲۳۱ اصلی قطعه ۶ واقع دربخش ۸ فارس خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،درخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۵/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۶/۱ م/الف ۱۱۰

تیمور منصوری–رئیس ثبت اسناد و املاک فراشبند